

یادداشت

تسهیلات بانکی و اشتغال پایدار

● یکی از ابزارهای بسیار مهم برای توسعه اشتغال پایدار و رونق کسب‌وکار، اعطای تسهیلات به بخش‌های مختلف اقتصادی است که علاوه‌بر ایجاد اشتغال می‌تواند عامل افزایش توان و ظرفیت تولید و ارائه خدمات باکیفیت بهتر شود. با توجه به افزایش جمعیت جویای کار، بصران اشتغال و وضعیت نامناسب اقتصادی، کسب‌وکارهای کوچک و متوسط می‌توانند نقش بسیار مهمی در ایجاد اشتغال و ارزش افزوده، رفع نیازهای جامعه، تولید محصولات جدید، افزایش تولید ناخالص داخلی داشته باشند که نهایتا موجب ارتقای سطح رفاه عمومی می‌شود.

برخی از اقتصاددانان مسئله تأمین مالی را یک چالش اساسی برای کسب‌وکارهای کوچک و متوسط به‌شمار می‌آورند؛ بدین معنا که اگر تسهیلات کافی و به‌موقع در اختیار آنها قرار گیرد و به‌طور صحیح از آن استفاده شود بخش اعظمی از این بنگاه‌ها می‌توانند به حیات اقتصادی خود ادامه داده و علاوه‌بر اشتغال‌زایی موجب رونق تولید ملی

و بهبود فضای کسب‌وکار در کشور می‌شوند. با ورود بانک‌های خصوصی به شبکه بانکی و گسترش این شبکه عظیم و افزایش تسهیلات و اعتبارات، بررسی اثرات این تسهیلات بر وضعیت اشتغال در بخش‌های مختلف اقتصادی، اهمیت زیادی پیدا کرده است و نکته‌ای که باید بدان توجه کرد این است که معمولا این نوع تسهیلات بیشتر روی ایجاد فرصت‌های جدید شغلی و کارآفرینی اثربخش است؛ هرچند آثار مثبت آن بر تثبیت کسب‌وکارها و حفظ مشاغل موجود نیز مشاهده می‌شود.

یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های دولت‌ها ایجاد اشتغال پایدار و کاهش نرخ بی‌کاری است، زیرا داشتن شغل مناسب و متناسب با شان و جایگاه هر فردی می‌تواند منشا هویت فردی و اجتماعی باشد و راهی برای رسیدن به سعادت انسان تلقی شود، بنابراین کار و اشتغال مناسب می‌تواند در تمام ابعاد سیاسی، اجتماعی، روان‌شناسی و علمی اهمیت ویژه‌ای داشته باشد و باید به‌عنوان ضروری‌ترین هدف در برنامه‌ریزی اقتصادی کشور در کنار رفع موانع تولید و کمک به تأمین مالی بنگاه‌ها مدنظر قرار بگیرد، حال آنکه برای تأمین مالی بنگاه‌های اقتصادی باید بازارهای پولی و مالی کارا و پویا وجود داشته باشد، این بازارها اهمیت ویژه‌ای در نظام اقتصادی دارند و از مهم‌ترین مؤلفه‌های افزایش رشد اقتصادی و توسعه پایدار در هر کشوری به حساب می‌آیند. زیرا این بازارها علاوه‌بر انجام مأموریت‌ها و رسالت‌های تخصصی خود، منابع تأمین اعتبار را برای فعالیت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی فراهم می‌آورد.

تأمین مالی یک واحد اقتصادی از مهم‌ترین مسائل مدیریت کسب‌وکار است و یکی از راه‌های تأمین مالی، استفاده از تسهیلات بانکی و تزریق نقدینگی به واحد اقتصادی است. این تزریق نقدینگی به بخش تولید به دلیل تأیید بودن میزان سرمایه در کوتاه‌مدت، باعث افزایش میزان اشتغال و در بلندمدت که تسهیلات اخذشده به سرمایه ثابت تبدیل می‌شود، تغییرات تکنولوژیکی را به دنبال دارد.

بنابراین آنچه مشخص و مبرهن است این است که در نتیجه استفاده درست و بهینه از تسهیلات بانکی می‌توان شاهد افزایش میزان اشتغال پایدار، افزایش حجم سرمایه‌گذاری، افزایش تولید ملی و همچنین افزایش قدرت سودآوری بنگاه اقتصادی بود و پو واضح است که اثربخشی و کارایی نظام بانکی و نظارت و کنترل مستمر و صحیح بر آن شرط دست‌یابی به آثار اقتصادی مطلوب است و در صورت نبود اثربخشی و کارایی در پروسه مذکور می‌تواند هم در بحث تخصصی و پرداخت تسهیلات و هم در موضوع مصرف آن اثرات منفی و نامناسب داشته باشد. در ایران علاوه‌بر بانک‌ها و مؤسسات اعتباری که زیر نظر بانک مرکزی فعالیت بانکی و پرداخت تسهیلات انجام می‌دهند، مؤسسات و نهادهایی مانند صندوق کارآفرینی امید، کمیته امداد خمینی (ره)، سازمان بهزیستی، بنیاد برکت، بنیاد شهید و... نیز در راستای انجام مسئولیت‌های اجتماعی، در زمینه پرداخت تسهیلات اشتغال‌زا فعالیت دارند و چون برای پرداخت این تسهیلات از مقررات تسهیلات ویژه اشتغال‌زایی تبعیت می‌کنند که براساس این مقررات، نظارت‌ها قبل و بعد از پرداخت تسهیلات به‌صورت مستمر و به‌گونه‌ای انجام گیرد تا منجر به کارآفرینی و اشتغال پایدار شود. هرچند ممکن است این مؤسسات و نهادهای نیز در برخی موارد الزامات قانونی و چک‌لیست‌های مربوطه را به‌خوبی رعایت نکنند، اما به نظر می‌رسد که اینها می‌توانند نقش بهتری در زمینه حمایت از کسب‌وکار و ایجاد اشتغال پایدار ایفا کنند؛ بنابراین می‌تبد که دولت و مجلس در این شرایط بسیار حساس اقتصادی که روز-به‌روز از نظر اقتصادی عرصه را برای محیط کسب‌وکار سخت‌تر می‌کند، با تقویت نهادها و مؤسسات تخصصی و تخصیص اعتبارات بیشتر به آنها، زمینه را برای افزایش اشتغال و کاهش بی‌کاری که نهایتا رشد اقتصادی و توسعه پایدار را به دنبال دارند، برنامه‌ریزی کنند.

امین خلیلی، معاون تجهیز و تخصیص منابع

صندوق کارآفرینی امید

جواد شرف‌خانی، مدرس دانشگاه

محمد مساعد؛ داکمار فن بن‌اشتاين، فرستاده اقتصاد

آلمان در ایران و مدیرعامل اتاق بازرگانی و صنایع ایران و آلمان، اگرچه برای رسانه‌های اروپایی که مسائل مرتبط با ایران و برجام را دنبال می‌کنند، چهره‌ای شناخته‌شده است، اما برای عموم مردم ایران چهره‌ای تازه است که در یکی از حساس‌ترین برهه‌های تاریخی اقتصاد ایران، مدیریت یکی از مهم‌ترین مراکز اقتصادی بین‌المللی بخش خصوصی در ایران را بر عهده دارد. اتاق بازرگانی ایران و آلمان تنها اتاق بازرگانی مشترک در ایران است که نه زیر نظر اتاق بازرگانی ایران، بلکه زیر نظر اتاق بازرگانی آلمان و هیئت‌رئیس‌های متشکل از اعضای ایرانی و آلمانی فعالیت می‌کند. در واقع، این اتاق که در سال ۱۳۵۴ تأسیس شد، با نزدیک به سه هزار عضو، روابط تنگاتنگی با اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران دارد و نمونه موفق‌ی از تلاش بازرگانان و صنعتگران خارجی برای ساختن فضای مشترک با همتایان ایرانی‌شان است، اتاقی که در سال ۲۰۱۶ و با نتیجه‌رسیدن برجام شاهد شادی صدها فعال اقتصادی ایرانی و آلمانی بود که امیدوار به آینده، برای آغاز فصلی نو در تجارت میان دو کشور که سابقه‌ای دیرینه دارد، جشن طغر گرفتند. اما دو سال بعد و در ماه‌های پایانی سال ۲۰۱۸ که به اساق بازرگانی ایران و آلمان رفعت تا با خانم داکمار فن بن‌اشتاين، مدیرعامل جدید این اتاق، گفت‌وگو کنم، شرایط به کلی متفاوت بود. اگرچه رسانه‌های آلمانی و اروپایی، به‌ویژه پس از خروج آمریکا از برجام، برای یافتن فرصت گفت‌وگو با خانم بن‌اشتاين و شنیدن آخرین اخبار فعلی‌و‌افلاعات اقتصادی و سیاسی میان ایران و اروپا از یکدیگر سیقت می‌گرفتند، او که در سال ۲۰۱۸ به ایران آمده است، تاکنون با رسانه‌های ایرانی گفت‌وگوی اختصاصی انجام ن داده بود. گفت‌وگو با خانم بن‌اشتاين که با لطف و پیگیری کسری امام‌صفاری، دوست خویم در اتاق بازرگانی ایران و آلمان فراهم شد، این امکان را فراهم کرد تا بی‌واسطه سؤالاتی را که تصور می‌کردم برای بسیاری از ایرانیان درباره وضعیت فعلی و آتی تجارت میان ایران و اروپا تحت تحریم‌های دولت ترامپ وجود دارد، با او مطرح کنم. خانم داکمار فن بن‌اشتاين پیش از آمدن به ایران نیز در اتاق تجارت مونیخ با اقتصاد ایران آشنایی داشت، اما حضور چندماهه او به‌عنوان مدیرعامل اتاق بازرگانی ایران و آلمان، فرصتی ویژه برای او و البته تجار ایرانی بود تا شناخت بهتری از یکدیگر پیدا کنند. او که با رویی باز ما در ساختمان اتاق بازرگانی ایران و آلمان استقبال کرد، در پاسخ به سؤالات تلاش می‌کرد مستندات پاسخ‌هایش را نیز ارائه کند و به همین دلیل چند بار در طول مصاحبه، برای نقل‌قول از مقامات یا بازرگانان ایرانی به روزنامه‌های چاپ تهران اشاره کرد و با دقت صفحاتی از روزنامه‌های ایران را که با مازیک‌های لایت‌علامت‌گذاری کرده بود، نشان داد. چندبار در طول مصاحبه، به‌خصوص آنچه که به مخالفت‌های برخی سیاستمداران با تسهیلات مرتبط با FATF در ایران اشاره کردم، پاسخش را با لبخندی تلخ همراه کرد و البته هنگام بیان نظراتش درباره اقتصاد ایران نیز ناراضیاتی در عضلات فشرده‌شده صورتش نمایان بود. بر مبنای گفت‌وگوی یک‌ساعته‌ام با بن‌اشتاين می‌توانم او را نمونه‌ای شاخص از فعالان اقتصادی خارجی در ایران معرفی کنم که در سال‌های اخیر تلاش‌های زیادی برای گشودن دروازه‌های اقتصاد اروپا به ایران انجام داده‌اند و همواره با مشکلاتی نیز روبه‌رو بوده‌اند و آنچنان که شاهد بوده‌ام، بارها به دلیل اشکالاتی که مقصرش نبوده‌اند، غدرخواهی کرده‌اند. در همان ابتدای گفت‌وگو نیز این خانم بن‌اشتاين بود که به‌خاطر هوای افلاطونیک تهران که اجازه نمی‌داد بلندی‌های رشته‌کوه البرز را از پنجره بزرگ اتاقش ببینیم، غدرخواهی کرد. او که در ماه‌های اخیر سفرهای مختلفی بین ایران و آلمان برای حل مشکلات انجام داده است، هفته گذشته در پارلمان آلمان گوشه‌ای از مشکلات موجود را برای نمایندگان پارلمان توضیح داده و در گفت‌وگو با رسانه‌های آلمانی نیز تلاش کرده بود تصویری روشن از تأثیر تحریم‌های جدید آمریکا بر اقتصاد ایران ارائه دهد. بن‌اشتاين که مدیریت بزرگ‌ترین اتاق بازرگانی ایران با یکی از کشورهای اروپایی را بر عهده دارد، در موقعیتی سخت، برای عادی‌سازی وضعیت تجارت بین دو کشور تلاش می‌کند و به نظر می‌رسد بیشتر از هر چیز دیگری به ایجاد خط مبادلات مالی بین ایران و اروپا (SPV) امید بسته است؛ امیدی که احتمالا میان او و فعالان اقتصادی ایران مشترک است و حالا برای تجارت میان ایران و اروپا، به مسئله مرگ و زندگی تبدیل شده است.

● **منمون از وقتی که به ما دادید. برای شروع بد نیست نگاهی به آمار و ارقام تجارت ایران و آلمان بیندازیم. آیا می‌توانید به ما بگویید تحریم‌ها چه تأثیری بر این تجارت گذاشته است؟**
بله؛ از ماه ژانویه تا سپتامبر، حجم تجارت ایران و آلمان دو درصد کاهش یافته است. از این بین حجم صادرات آلمان به ایران حدود چهار درصد کاهش یافته، اما در مقابل حجم صادرات ایران به آلمان حدود ۱۹ درصد افزایش یافته است که این می‌تواند خبر خوبی باشد، اما اگر تنها به آمار ماه سپتامبر نگاه کنیم، شاهد کاهش ۹درصدی صادرات آلمان به ایران و کاهش ۳۳درصدی صادرات ایران به آلمان هستیم.

● **تعداد اعضای اتاق بازرگانی ایران و آلمان چطور؟ آیا در تعداد آنها هم تغییری اتفاق افتاده است؟**

اتاق بازرگانی ایران و آلمان یک اتاق بسیار بزرگ با گستردگی درخور توجه است و کمی کمتر از سه هزار عضو دارد که از این تعداد، حدود ۱۵۰ شرکت آلمانی هستند. تقریبا همه ۱۵۰ شرکت آلمانی به‌جز تعدادی شرکت هنوز عضو اتاق هستند، اما درباره اینکه چه تعداد از این شرکت‌ها فعال هستند، باید بگویم تقریبا همه آنها با توجه به شرایط جدید، ایران را ترک کرده‌اند. ترک ایران البته به معنای آن نیست که آنها همه چیز را رها کرده‌اند. اکثر آنها حتی در حفظ یک دفتر کوچک در ایران مانده‌اند، چون دوست ندارند از بازار ایران جدا شوند؛ مطالعه بازار را انجام می‌دهند و حضور دارند. اما فعالیتشان تقریبا صفر است و امیدوار به آینده هستند.

● **به مسئله شرکت‌های آلمانی برمی‌گردیم. زمانی که برجام به نتیجه رسید، امیدهای زیادی به ایجاد رونق اقتصادی و حضور بزرگ شرکت‌های اروپایی در ایران وجود داشت و آلمان با توجه به سابقه طولانی همکاری‌های اقتصادی‌اش با ایران یکی از مهم‌ترین امیدهای اقتصادی ایران بود. چه موانعی وجود داشت که شرکت‌های آلمانی آن‌طور که انتظار می‌رفت وارد بازار ایران نشدند؟**

همان‌طور که می‌دانید فاصله برجام و تحریم‌های مجدد آمریکا کم بود. پس از برجام تقریبا دو سال زمان وجود داشت و این زمان برای بازگشت شرایط به پیش از تحریم‌ها بسیار اندک بود. با توجه به اینکه بخش بزرگی از این زمان هم در شرایط بیم و امید انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا و احتمال بازگشت تحریم‌ها سپری شد و شرکت‌های آلمانی نیز مشغول بررسی و مشاهده شرایط بودند و همان‌طور که می‌دانید شرکت‌های آلمانی حضور پررنگی در بازار آمریکا دارند و نمی‌توانند این بازار بزرگ را از دست بدهند. عامل مهم دوم که حتما خودتان بهتر می‌دانید این است که بازار ایران بازار آسانی نیست و موانع متعددی برای سرمایه‌گذاران وجود دارد.

● **روزی که ساختمان جدید اتاق ایران و آلمان افتتاح می‌شد، یکی از خبرنگارانی بومد که در مراسم افتتاحیه حاضر بومد. در آن مراسم سفیر آلمان در تهران ابراز امیدواری کرد که آمریکا از برجام خارج نشود و به این نکته اشاره کرد که ایران در کنار کشوری مانند مصر یکی از گزینه‌های بالقوه شراکت تجاری با آلمان در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا محسوب می‌شود. به جز مسائل سیاسی چه عوامل دیگری باعث می‌شود که این ظرفیت بالقوه به مرحله اجرا نرسد؟**
بازار ایران برای شرکت‌های آلمانی بازار جذابی است و آنها نیز به فعالیت در ایران علاقه‌مند هستند، همچنین ارتباطات نزدیکی بین آنها و شرکت‌های ایرانی وجود دارد. شرکت‌های آلمانی که در ایران فعالیت می‌کنند، همواره از نیروی انسانی تحصیل‌کرده و ماهر ایرانی به شدت ابراز رضایت می‌کنند اما در روی دیگر سکه چیزهایی هست که بازار ایران را همان‌طور که گفتیم به بازاری نه چندان راحت تبدیل می‌کند. اولیین مانعی که می‌توانم به آن اشاره کنم وجود بوروکراسی پیچیده و قوانین متعدد است که هر روز هم تغییر می‌کند و واقعا نمی‌توان پیش‌بینی کرد فردا قرار است چه اتفاقی برای مقررات بیفتد. این برای شرکت‌های آلمانی که مایل به برنامه‌ریزی‌های بلندمدت یا حداقل میان‌مدت هستند غیرقابل تحمل است زیرا آنها نمی‌دانند که قرار است فردا چه تغییراتی در قوانین و مقررات اتفاق بیفتد. این فقط مشکل شرکت‌های آلمانی نیست، این‌ها گزارش یک روزنامه ایرانی از اتاق بازرگانی ایران را دارم که آقای شافعی، رئیس اتاق بازرگانی ایران در نشست با صادرکنندگان در سخنان خود به همین مشکل اشاره می‌کند. من هم با ایشان موافقم. آقای شافعی به دولت می‌گوید لطفا با ما گفت‌وگو کنید. با شرکت‌های خصوصی مشورت کنید. بگذارید ما شما را راهنمایی کنیم زیرا ما می‌دانیم که چه چیزی برای اقتصاد بهتر است. نکته دیگری که وجود دارد این است که همان‌طور که خود مسئولان ایران هم تأکید می‌کنند باید به مبارزه با فساد که از آن صحبت می‌شود ادامه داده شود. خوشحالم که در رسانه‌ها می‌بینم مقامات ایرانی بر مبارزه با فساد تأکید دارند و در

اقتصاد

فرستاده اقتصادی آلمان در گفت‌وگوی اختصاصی با «شرق» پیوستن به FATF و برقراری SPV را ضروری خواند

آخرین امید اروپا برای ارتباط با ایران



علیس سهرلر، اتاق شرق

این راه تلاش می‌کنند. در واقع می‌خواهم به شما بگویم که در بسیاری از موقعیت‌ها ایران، چندان پذیرای شرکت‌های خارجی نیست. شاید به خاطر حمایت از شرکت‌های ایرانی باشد. مسئله آخر عدم پیوستن به FATF است که عملا همکاری بانک‌های خارجی با بانک‌های ایرانی و نقل و انتقالات مالی را غیرممکن کرده است. دوست دارم یک جمله را به شما بگویم. این فقط تحریم‌های آمریکا نیست که باعث می‌شود شرکت‌های اروپایی برای کار با ایران با چالش مواجه شوند. بلکه به خاطر سهولت جذابیتی است که آمریکا برای بازاریش ایجاد کرده است. چنین بازاری اگر برای ایران فراهم شود، ترک ایران هم برای شرکای خارجی دشوار خواهد بود.

● **به FATF اشاره کردید. پیوستن ایران به FATF در ماه‌های اخیر به یک سوزوّه مجادله سیاسی تبدیل شده و صف‌هایی از موافقان و مخالفان را در برابر هم قرار داده است. مخالفان پیوستن ایران به FATF ادعا می‌کنند که لزومی برای این عضویت وجود ندارد و تأثیر مثبتی نیز بر فعالیت‌های بانکی ایران نخواهد داشت. شما به عنوان کسی که سابقه سال‌ها فعالیت اقتصادی در اروپا را دارید چقدر پیوستن به FATF را مهم می‌دانید؟**

این خیلی خیلی مهم است. پیوستن به FATF یک پیش‌نیاز اساسی و ضروری ایران برای پیوستن به اقتصاد جهانی و حضور در مبادلات مالی آن است. از دید من دلیلی برای عدم پیوستن ایران به آن وجود ندارد و این یک مسئله کاملا پایه‌ای است. روزی که مجلس ایران قوانین مرتبط با FATF را به تصویب رساند ما واقعا خوشحال بودیم چون آن را نشانه عزم ایران برای پیوستن به اقتصاد جهان می‌دانستیم.

● **آقای عراقچی، چند روز قبل به وجود مشکلاتی در زمینه ایجاد خط مالی بین ایران و اروپا اشاره کردند. به گفته مسئولان وزارت خارجه ایران کشورهای اروپایی توان میزبانی سازوکار مبادلات مالی ایران و اروپا با همان SPV را ندارند و حاضر به میزبانی آن نیستند. می‌دانم که شما از نزدیک پیگیر وضعیت این خط ارتباطی هستید. چه اتفاقی در حال رخ دادن است؟**

باید بگویم SPV برای فعالیت اقتصاد ایران و اروپا حیاتی است. شرکت‌های اروپایی و ایرانی برای فعالیت اقتصادی در کشورهای متقابل نیازمند این خط مالی هستند و بدون این ابزار حیاتی نمی‌توانند فعالیت کنند. در حال حاضر سه کشور آلمان، فرانسه و انگلستان در تلاش‌اند تا هرچه زودتر این سازوکار را برای ارائه به شرکت‌ها آماده کنند و به سختی روی آن کار می‌کنند. من فکرکردم و جلوتر باشیم اما کارهای زیادی برای انجام‌دادن وجود دارد. ما به عنوان فعالان اقتصادی خارجی نیازمند وجود قوانین و بوروکراسی کاملا شفاف و پایدار در ایران هستیم. ایران نیاز دارد به مبارزه جدی با فساد مالی ادامه دهد تا یک محیط امن برای سرمایه‌گذاری ایجاد کند. همچنین تعداد مراکز تصمیم‌گیری و قانون‌گذاری اقتصادی زیاد است و این گاهی باعث تناقض‌هایی می‌شود که برنامه‌ریزی را برای سرمایه‌گذار سخت می‌کند. نرخ پیش‌بینی ناپذیر از نیز یک مشکل دیگر است که بدون حل این چهار مشکل مهم امکان ورود به بازار ایران آسان نخواهد بود.

● **به عنوان مثال آخر؛ شما چند ماه است که در ایران زندگی می‌کنید و می‌دانم که پیش از حضور در ایران نیز مسئولیت‌هایی در ایالت باواریا در آلمان مرتبط با اقتصاد ایران داشته‌اید. ایرانی که در آن زندگی می‌کنید چه تفاوت‌هایی با تصویری که از ایران در ذهن داشتید، دارد؟**

سؤال خوبی است و البته سؤال خیلی مهمی هم هست. چون مردم آلمان و حدس می‌زنم بسیاری از مردم در سراسر جهان نمی‌دانند ایران کشوری زیبا با مردمانی خوب و باهوش است. تفاوت زیادی میان تصور آنها و آنچه در ایران است وجود دارد. من وقتی به ایران می‌آمدم با همه وجود آمدم اما واقعا ایران فراتر از انتظاراتم بود. این برای من خیلی مهم است که به اروپایی‌ها بگویم که ایران واقعی با ایرانی که شما در تصور خود دارید تفاوت بسیاری دارد. به آنها می‌گویم تا به ایران نیامده‌اید، تصور اشتباهی از آن خواهید داشت. به عنوان یک میهمان و دوست که در ایران زندگی می‌کند، برایم اهمیت زیادی دارد تا تصویر درستی از خوبی‌ها و زیبایی‌های ایران ارائه دهم.

● **یک سؤال مهم که برای من و بسیاری از همکارانم در رسانه‌های مختلف و البته مردم ایران وجود دارد، مسئله تأثیر تحریم‌ها بر غذا و دارو در ایران است. آمریکا ادعا می‌کند که دارو و محصولات کشاورزی از فهرست تحریم‌ها معاف هستند و مشکلی برای تجارت آنها وجود ندارد. کشور آلمان در هر دوی این بخش‌ها تبادلات تجاری گسترده‌ای با ایران دارد و شما در قلب تبادلات اقتصادی دو کشور احتمالا می‌توانید بهتر از هرکس دیگری به ما بگویید آیا دارو و محصولات کشاورزی در حال حاضر تحت تأثیر تحریم‌ها قرار دارند یا خیر؟ آیا شرکت‌های دارویی و غذایی در این باره به شما مراجعه کرده‌اند؟**

همه چیز تحت تأثیر تحریم‌ها قرار دارد. شرکت‌های زیادی که در زمینه دارو و محصولات کشاورزی فعالیت دارند به ما مراجعه می‌کنند و از ما راه‌حلی برای مشکلات خود در تبادلات مالی می‌خواهند اما ما نمی‌توانیم به آنها کمک کنیم چون واقعا راهی برای تبادلات مالی وجود ندارد. پس می‌توانم بگویم به شدت به تجارت دارو و محصولات کشاورزی لطمه وارد شده و در حال حاضر تنها راه‌حل ما امیدواری به راه‌اندازی هرچه‌زودتر خط مبادلات مالی ایران و اروپاست.

● **گفتید که شرکت‌های زیادی به دلیل این مشکلات به شما مراجعه می‌کنند. آیا مشکلات شرکت‌های دارویی و غذایی را با سیاستمداران آلمانی در میان می‌گذارید؟ واکنش آنها به این مسئله حقوق بشری چیست؟**

همان‌طور که احتمالا می‌دانید من سه هفته گذشته در برلین بودم و جلسه‌ای با نمایندگان تمامی احزاب و فرانسویون‌های پارلمان آلمان داشتم و درباره همه این مشکلات به آنها اطلاع دادم. مسئله این است که توافق صورت‌گرفته میان ایران و ۵۰+ دو وجه دارد. یک وجه آن توافق سیاسی درباره مسئله هسته‌ای بود و وجه دیگر آن که توافق اقتصادی بود. این دو لازم و ملزوم یکدیگرند. بدون نظر گرفتن وجه سیاسی این نمی‌توان انتظار موفقیت داشته بود. بدون همکاری سیاستمداران اقتصادی آن را داشت. بدون همکاری سیاستمداران دو طرف قدیمی رو به جلو برداشته نمی‌شود. من به سیاستمداران آلمانی هم گفتم که باید هر دو بعد سیاسی و اقتصادی این توافق پیگیری و حل شود.

● **به جلسه‌تان با نمایندگان پارلمان آلمان اشاره کردید. سؤالاتی این است که با توجه به سابقه طولانی مبادلات اقتصادی و بانکی میان ایران و آلمان چرا آلمان حاضر نیست میزبانی SPV را بپذیرد؟**

مجددا باید بگویم من در حوزه اقتصاد فعالیت می‌کنم و دخالتی درباره تصمیمات دولت‌ها ندارم. اما من یقین دارم آلمان و شرکای اروپایی‌اش همه تلاششان را برای ازبین‌بردن چالش‌های مربوط به SPV انجام می‌دهند.

● **به عنوان یک فعال اقتصادی که فضای کار در دو کشور متفاوت را تجربه کرده‌اید، اگر بخواهید پیشنهاداتی برای بهبود وضعیت اقتصاد ایران بدهید، چه می‌گویید؟**

می‌خواهم به این نکته اشاره کنم که مشکل اقتصاد ایران در حال حاضر فقط تحریم‌ها نیستند. اگر تحریم‌ها برطرف شوند نیز مشکلات باقی می‌ماند و باید اصلاحاتی در حوزه قوانین و مقررات و بوروکراسی ایجاد کرد. اوایل سال ۲۰۱۶ شاس بزرگی برای اقتصاد شما وجود داشت که به استانداردهای جهانی برسد و روابط اقتصادی نزدیکی با اروپا داشته باشد اما بلافاصله پس از تحریم همه چیز متوقف شد. اگر روزی تحریم‌ها برداشته شود هنوز نیازمند انجام کارهایی هستیم. ممکن است ما به نقطه صفر ۲۰۱۶ برنگردیم و جلوتر باشیم اما کارهای زیادی برای انجام‌دادن وجود دارد. ما به عنوان فعالان اقتصادی خارجی نیازمند وجود قوانین و بوروکراسی کاملا شفاف و پایدار در ایران هستیم. ایران نیاز دارد به مبارزه جدی با فساد مالی ادامه دهد تا یک محیط امن برای سرمایه‌گذاری ایجاد کند. همچنین تعداد مراکز تصمیم‌گیری و قانون‌گذاری اقتصادی زیاد است و این گاهی باعث تناقض‌هایی می‌شود که برنامه‌ریزی را برای سرمایه‌گذار سخت می‌کند. نرخ پیش‌بینی ناپذیر از نیز یک مشکل دیگر است که بدون حل این چهار مشکل مهم امکان ورود به بازار ایران آسان نخواهد بود.

● **به عنوان مثال آخر؛ شما چند ماه است که در ایران زندگی می‌کنید و می‌دانم که پیش از حضور در ایران نیز مسئولیت‌هایی در ایالت باواریا در آلمان مرتبط با اقتصاد ایران داشته‌اید. ایرانی که در آن زندگی می‌کنید چه تفاوت‌هایی با تصویری که از ایران در ذهن داشتید، دارد؟**

سؤال خوبی است و البته سؤال خیلی مهمی هم هست. چون مردم آلمان و حدس می‌زنم بسیاری از مردم در سراسر جهان نمی‌دانند ایران کشوری زیبا با مردمانی خوب و باهوش است. تفاوت زیادی میان تصور آنها و آنچه در ایران است وجود دارد. من وقتی به ایران می‌آمدم با همه وجود آمدم اما واقعا ایران فراتر از انتظاراتم بود. این برای من خیلی مهم است که به اروپایی‌ها بگویم که ایران واقعی با ایرانی که شما در تصور خود دارید تفاوت بسیاری دارد. به آنها می‌گویم تا به ایران نیامده‌اید، تصور اشتباهی از آن خواهید داشت. به عنوان یک میهمان و دوست که در ایران زندگی می‌کند، برایم اهمیت زیادی دارد تا تصویر درستی از خوبی‌ها و زیبایی‌های ایران ارائه دهم.

نگاه

گفت‌وگو برای آب

زهر ا سلطانی

● در گزارشی که با عنوان «آینده‌یژوهی ایران ۱۳۹۷» در مرداد سال جاری منتشر شد، خشک‌سالی و بحران تأمین آب برای مصارف آب آشامیدنی شهرها و روستاها و نیز مصارف صنعت و کشاورزی به عنوان اصلی‌ترین مسئله ایران از دیدگاه خبرگان بخش دولتی، خصوصی و عمومی شناخته شد. همچنین بروز پیامدهای بحران آبی مانند فرونشست زمین، ازبین‌رفتن اکوسیستم دریاچه‌ها و تالاب‌های خشک شده و برداشت بی‌رویه از منابع آب زیرزمینی، سومین مسئله اصلی ایرانیان ارزیابی شد. هرچند احتمالا شرایط کم‌آبی شدید سال آبی ۱۳۹۶-۱۳۹۷ در تشدید مسائل آب در آذهان عمومی و افزایش توجه نخبگان جامعه به بروز بحران‌هایی دراین‌باره نقش داشته است اما نباید از نظر دور داشت که روند توسعه مراکز جمعیتی، کشاورزی و صنعتی در کشور در دهه‌های گذشته بدون توجه کافی به ظرفیت‌های منابع زیستی مانند آب در مناطق مختلف بوده است و مشکلاتی را دربراه تأمین حقابه‌های زیست‌محیطی و کشاورزی پدید آورده است. از سوی دیگر، تغییرات اقلیمی و آب‌وهوایی نیز بی‌شائبه‌ی زپیش محدودیت‌های تأمین منابع آب برای نیازهای متکثر جامعه را برای ما آشکار کرده است.

ادراک همین مشکلات زمینه آن را فراهم آورد که در ماه گذشته، وزارت نیرو در یک گام مثبت، نظرسنجی گسترده‌ای از کارشناسان و خبرگان حوزه آب درباره تعیین تکلیف حقابه‌ها و حقابه‌بران در حوضه‌های آب‌کش کشور انجام دهد. در این نظرسنجی از متخصصان درخواست شده بود مهم‌ترین سؤالاتی را که برای تعیین تکلیف، ساماندهی و حل مسئله حقابه‌ها در کشور باید پاسخ داده شوند، مشخص کنند و گام‌های مهمی را که برای تعیین تکلیف حقابه‌ها باید مدنظر قرار بگیرد نیز ترسیم کنند. انجام این نظرسنجی با این دلیل مثبت به نظر می‌رسد که راهی را برای گفت‌وگوی بیشتر و عمیق‌تر بدنه اجرایی کشور با متخصصان و خبرگان حوزه آب باز می‌کند. گفت‌وگوهایی که در صورت تداوم به تعمیق شناخت از گستره ابعاد مختلف و پیچیدگی‌های مسائل آب در مواردی نظیر تعیین تکلیف حقابه‌ها بینجامد. همچنین چنین رویکردی، توسعه استراتژی‌های جدید مدیریتی را در چرخه فرایند تصمیم‌گیری و مدیریت آب در بدنه اجرایی دولت امکان‌پذیر کند.

درعین‌حال به نظر می‌رسد رویکرد گفت‌وگو برای مواجهه با مسائل تأمین آب در جامعه ما ظرفیت مناسبی برای توجه بیشتر در سطوح مختلف تصمیم‌گیری داشته باشد؛ چراکه به دلیل گره‌خوردن مسائل آب با معیشت و زندگی روزمره یا محیط زندگی بسیاری از هم‌وطنانمان، علاوه بر بخش دولتی، مردم نیز نگرانی زیادی درباره مسائل آب کشور ابراز می‌کنند و در صورت وجود بستر مناسب، به سهم‌دانستن خود در مسائل آب کشور، می‌توانند نقش مؤثرتری در پیشبرد راهکارهای مواجهه با بحران آب در کشور ایفا کنند. به بیان دیگر برای درک عمیق‌تر از ابعاد متفاوت مسائل حوزه آب و ارائه راهکارهای مناسب دراین‌باره ضروری است با اشاعه این رویکرد گفت‌وگو به دایره‌ای وسیع‌تر از نخبگان و متخصصان حوزه آب، زمینه به‌وجودآمدن نوعی گفت‌وگوی مؤثر و شکل‌گیری فهم مشترک از ابعاد مختلف، پیچیده و چندوجهی مسائل حوزه آب و نقش ذی‌نفعان و دست‌اندرکاران مختلف را برای حل این مسائل فراهم آوریم. شکل‌گیری این گفت‌وگو با کنشگران متفاوت با نیازهای متفاوت در حوزه مصارف آب (نظیر کشاورزان)، می‌تواند به برقراری نوعی کنش ارتباطی مؤثر، بین ذی‌نفعان و دست‌اندرکاران حوزه آب در کشور بینجامد و در چنین شرایطی با تعاریف نسبتاً مشترکی از وضعیت کنونی منابع آب کشور، افراد می‌تواند به‌صورت آگاهانه به کنش‌های خود در راستای حل مسائل آب کشور، جهت دهند. هرچند از ضروریات و موارد حائز اهمیت چنین رویکردی این است که تنها چیزی که می‌تواند به طور عقلانی هر شرکت‌کننده‌ای را به تلاش مستمر برای حل‌وفصل توافقی مسائل خود ترغیب کند، اطمینان از به رسمیت شناخته‌شدن نیازها و منافعش است. چنانچه نیازها و منافع افراد به رسمیت شناخته شده و شرایط گفت‌وگو فراهم باشد، شرکت‌کنندگان می‌توانند بر شهنجار یا قانون اجتماعی به تفاهم کلی برسند. چنین شهنجار یا قانونی از مشروعیت بالایی برخوردار می‌شود هرگونه برنامه‌ریزی و اجرای طرح‌هایی در زمینه مدیریت مصارف آب یا حل مسئله تأمین آب، با رویکردی گفت‌وگومحور و بر مبنای توسعه مشارکت فعال نمایندگان ذی‌نفعان و دست‌اندرکاران مختلف، در فرایند برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری مدیریت آب شکل گیرد.

● **کارشناس مدیریت مشارکتی آب شرکت مدیریت منابع آب ایران**